



(مقاله پژوهشی)

## تأثیرپذیری ابن نباته فارقی از خطبه جهاد امام علی (ع) با محوریت تضمین (با تکیه بر شرح ابن ابی الحدید)

مهرداد آقائی<sup>۱</sup>، محمدرضا شادمنان<sup>۲</sup>، شیما تقی پور کندسر<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۴

(از ص ۴۱ تا ۵۶)

### چکیده

نهج البلاغه به ادعان غالب نهج البلاغه پژوهان، کتابی فرادانش بشری است که فهم تفصیلی آن لازمه تسلط به دانش‌های ارزشمندی چون علوم بلاغی است. کلام امام همام توأم با فصاحت و بلاغت دیدگان همه سخنوران و بلاغت پژوهان را خیره و متحیر نموده است. هدف این مقاله نمایش و پایش چنین عرصه‌هایی از سخن‌وری و خیال‌پروری امیرمؤمنان (ع) در یکی از خطبه‌های غرّای ایشان معروف به خطبه جهاد و مقایسه آن با خطبه‌های جهادی ابن نباته فارقی، با تکیه بر شرح ابن ابی الحدید است و پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه ابن نباته در خطبه‌های خود از کلام امام همام بهره جسته و موفق بوده است. این مقاله با روش تطبیقی - تحلیلی بر آن است تا با مقایسه و مقابله خطبه جهادی ۲۷ امام علیه السلام با خطبه‌های پنجگانه جهادی ابن نباته این مسأله را تبیین کند که نهج البلاغه علاوه بر فصاحت و بلاغت دارای معانی ژرف و مفاهیم والایی است که با فطرت انسان گره خورده و از سرچشمه وحی مایه گرفته است و در خطبه‌های آن از تشبیهات و استعارات و نکته‌های دقیق بلاغی استفاده شده است؛ درحالی که در خطبه‌های جهادی ابن نباته تکلف و صنایع بدیعی بیش از حد متن خطبه‌ها را بی‌روح و تصنعی ساخته است، هر خطیب سخنوری در رکاب همانندی و مقابله با جوهر تابناک نهج البلاغه جز اظهار عجز و ناتوانی خود قدمی برنداشته است؛ چراکه در آسمان بلاغت هیچ اختری را یارای مشاکله با آفتاب بلاغت نیست. کلام امام در عین فصاحت و بلاغت، موجز و رسا است، درحالی که ابن نباته در خطبه‌های خود با بهره‌گیری از اطاب و اطالۀ کلام نتوانسته پای در رکاب نهج البلاغه بگذارد.

**کلید واژه‌ها:** نهج البلاغه، امام علی (ع)، ابن نباته فارقی، ابن ابی الحدید، خطبه ۲۷ جهاد، تضمین.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

## ۱. مقدمه

نهج البلاغه سخنان و کلمات گهربار امام علی (ع) ملامال از فصاحت و بلاغت و کلام شیوا و رسایی است که سید شریف رضی در قرن چهارم هجری آن را گردآورد. تا به حال پژوهشگران زیادی کوشیده‌اند تا این کتاب گران بها را به زبان عربی شرح داده و یا به زبان فارسی ترجمه کنند و در عین حال توانمندی و ذوق و سلیقه خود را به کار بسته تا ضمن ترجمه و شرح، زیبایی‌شناسی سخن آن را نیز از نظر دور ندارند. از میان این شروحي که به بررسی ابعاد مختلف در نهج البلاغه پرداخته‌اند، شرح ابن ابی‌الحدید دارای نمود بیشتری در زمینه تبیین صور خیال و عناصر ادبی نهج البلاغه بوده که این پژوهش از آن بهره گرفته است.

در ادبیات عربی از قرون نخستین تا دوره‌های اخیر بسیاری از صاحبان فکر و اندیشه و ادیبان توانمند کتاب‌ها و سخنانی گران قدر در زمینه فصاحت و بلاغت عربی عرضه داشته‌اند و نیز خطیبان برجسته‌ای اقدام به ثبت و ضبط سخنان و خطبه‌های خود نموده‌اند، از این میان یکی از خطیبان مشهور و نام‌آور دولت حمدانی به نام عبدالرحیم ابن نباته (فارقی) با تقلید و تأسی جستن از نهج البلاغه خطبه‌های حماسی ایراد می‌کرد. «وی در حلب، منصب خطابت را از طرف سیف‌الدوله حمدانی عهده‌دار شد و در کنار سیف‌الدوله همواره در جهاد و کارزار بود، ابن نباته به خطبه‌های بسیاری درباره جهاد پرداخت تا مردم را بدان تکلیف شرعی ترغیب کند و به یاری سیف‌الدوله برانگیزد (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۱۵۶/۳). از میان خطبه‌های ایشان به پنج خطبه مشهور و معروف به خطبه‌های پنجگانه پرداخته می‌شود که ابن نباته در هر کدام از آن‌ها به نوعی بخش‌هایی را از خطبه جهادی امیرالمؤمنین الهام گرفته و از مضمون و کلمات آن بهره جسته است؛ هر چند که برخی از منتقدان بر این باورند که ابن نباته از کلام امام سقرت ادبی داشته است، از جمله شارح کبیر، ابن ابی‌الحدید، که بر این قضیه مهم اصرار داشته و معتقد است: «در خطبه‌های جهادی ابن نباته نمونه‌های زیادی از سقرت از کلام امیرالمؤمنین (ع) است که اگر افراد خیره و آگاه خوب دقت کنند متوجه این کار او می‌شوند» (ابن ابی‌الحدید، ۲۰۰۷: ۲۷۵/۱). این مقاله بر آن است تا خطبه جهادی امیرالمؤمنین را با خطبه‌های جهادی ابن نباته از منظر وجوه بلاغی و تأثیر و تأثر این دو مورد بررسی قرار دهد.

در تمجید از مقام علمی و ادبی نهج البلاغه همین بس که «نهج البلاغه عالی‌ترین نوع نثر مسجع است که سجع‌نویسان فارسی و عربی در نوشته‌هایی نظیر مقامات حمیدی و گلستان از نثر زیبا و مسجع و موزون و دل‌نشین نهج البلاغه ملهم و متأثر بوده‌اند» (رائی، ۱۳۸۳: ۲۸)؛ و نیز «به نظر بسیاری از نهج‌البلاغه پژوهان، اولین چشم‌اندازی که در نهج البلاغه دیدگان را خیره می‌کند، فصاحت و بلاغت امام علی (ع) در خطبه‌ها و نامه‌هایش است؛ چون در تمام کلمات و سطور و صفحات این کتاب، شیوایی الفاظ و حلاوت و جذابیتی دیده می‌شود که بعد از قرآن کریم و کلام پیغمبر خدا، هیچ کلامی را نمی‌توان پیدا کرد که تا این اندازه جذاب و با حلاوت و در عین حال لطیف باشد» (آقائی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳ و ۲۴).

## ۱-۱. بیان مسئله

فهم نهج البلاغه دارای دو رویکرد اجمالی و تفصیلی است. فهم اجمالی آن لازمه‌اش آشنایی با زبان عربی و مقدمات علوم ادبی و فهم لغت بوده، اما برای فهم تفصیلی و به عبارت رساتر برای کشف معانی برتر و والای آن که در ضمن متون نهفته است، تخصص در زمینه ادبیات به خصوص تسلط به علوم بلاغی می‌طلبد. بسیاری از نهج‌البلاغه‌پژوهان بر این باورند که اولین دیدگاه نسبت به نهج‌البلاغه از منظر جلوه‌های بلاغت و تابلوهای بدیع و خیره‌کننده‌ای است که به زیور هنر و سخن‌آرایی مزین گردیده است. کاربرد تشبیهات و استعارات دقیق در کنار کنایات و تمثیلات، در تجسم بخشیدن و بیان حالات مخاطبین و اوضاع و احوال زمان و مکان به سخن امام علی(ع) سیمائی منحصر به فرد داده است. صور خیال در نهج‌البلاغه دارای جایگاه ویژه‌ای است که جلوه‌های آن زیبایی ظاهری و معنوی این کتاب ارزشمند را دوچندان کرده است؛ به طوری که شگردهای بدیع و خارق‌العاده آن را از کلام بشری فراتر برده است. در تکمیل آن می‌توان گفت «علی(ع) اندیشه‌ای فراتر از زمان است؛ چون روح ایشان به دنیای خاصی محدود نبوده و سخنش نیز محدود به دنیای خاصی نیست و در همه دوران‌ها حضور دارد. از امتیازات سخن علی(ع) این است که چندبعدی بوده و کلام او به ابدیت تعلق دارد و بعد زمان را در ابدیت اثری نیست، از این رو قرن‌هاست که سخنان او حلاوت و طراوت خود را حفظ کرده و همیشه دانشمندان را شیفته خود ساخته است» (الهامی، ۱۳۷۹: ۳۲).

بنابراین، می‌توان با توجه به اهمیت و جایگاه والای نهج‌البلاغه در نزد اندیشمندان و پژوهشگران، در توصیف ویژگی بلاغی نهج‌البلاغه چنین گفت «از بارزترین ویژگی‌های نهج‌البلاغه عبارت‌پردازی زیبا، آرایش لفظی و روح و آهنگ حماسی آن است. مفاهیم عالی و ماندگار نهج‌البلاغه آنگاه که به زیور هنر فصاحت و بلاغت آراسته می‌شود و صنعت‌های لفظی و معنوی بخصوص سجع و جناس و آهنگ کلام به آن جان می‌بخشد، روح شنونده را به تسخیر خود درمی‌آورد و جان شیفته او را کلمه به کلمه به دنبال خود می‌کشاند» (سالم و حاجی‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۸). پیداست که بدون توجه به این همه زیبایی‌های بلاغی موجود در نهج‌البلاغه امکان فهم و کشف معانی باطنی و رموز و اسرار آن وجود ندارد و این سخنی است که مورد اتفاق همگان است. استاد مطهری در کتاب خود در توصیف از امام علی(ع) از زبان یک نویسنده مسیحی آورده است: «میخائیل نعیمه، نویسنده لبنانی در مقدمه کتاب امام علی(ع) صدای عدالت انسانی اثر جرج جرداق می‌گوید: علی(ع) تنها در میدان جنگ قهرمان نبود، در همه جا قهرمان بود. در صفای دل، پاکی وجدان، جذابیت سحرآمیز بیان، انسانیت واقعی... او در همه میدان‌ها قهرمان بود» (مطهری، ۱۳۹۲: ۲۰).

مقاله حاضر بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیلی با بررسی مقابله‌ای و ادبی خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه و خطبه‌های جهادی پنجگانه ابن‌نباته به این سؤال پاسخ دهد که: ابن‌نباته تا چه اندازه از مباحث بلاغی و زیبایی‌های نهج‌البلاغه در خطبه‌های مذکور بهره جسته است؟ و این که آیا او در این کار خود موفق بوده است؟

در پاسخ به این سؤال باید اذعان داشت که ابن نباته با تمام مهارت و جسارتی که در به کارگیری صنایع بدیعی و بهره گیری از کلام امام در خطبه های خود داشته، ولی نتوانسته کلامی همچون کلام امام بیورد؛ بنابراین، هم از لحاظ بهره گیری و هم همانندسازی موفق عمل نکرده است.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

با وجود همه تحقیقات و پژوهش های وسیع و ذی قیمتی که به وسیله محققان و اندیشمندان درباره نهج البلاغه انجام شده است که هر کدام در نوع و محتوا شایان تحسین و ارزش کارشان درخور تقدیر و تمجید است ولیکن تحقیق مستقلی درباره موضوع بحث حاضر انجام نشده است. از این میان به چند پژوهش نزدیک به موضوع مورد بحث اشاره می گردد:

۱- مقاله «مکانة کلام علی بن ابي طالب علیه السلام في الأدب العربي» نوشته مه جبین اختر، مدیر گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه عثمانی حیدرآباد هند. مجله الداعی دارالعلوم دیوبند، سال ۲۰۱۴ شماره ۲. این مقاله با بررسی آثار چندین شاعر و ادیب عرب، به قدرت و توانایی نهج البلاغه در چگونگی تأثیرگذاری آن بر آثار ادبی بعد از خود پرداخته است و نیز نمونه هایی را از تأثیرپذیری ابن نباته از خطبه های امام (ع) آورده است.

۲- مقاله «أثر نهج البلاغة في الأدباء والمفكرين»، نوشته علی عباس فاضل، المؤتمر العلمی الدولي الثالث بکربلاء: ۷ دسامبر ۲۰۱۹. این مقاله بیشتر به تأثیر شخصیت امام علی (ع) بر متفکران و اندیشمندان مختلف جهان از مسلمانان گرفته تا مسیحیان و سایر ادیان پرداخته است و دستاورد کلی این پژوهش آن است که کلام امام علی (ع) با زیبایی لفظی و معنوی و معنایی توانسته باعث تحیر و شگفتی بسیاری از دانشمندان شده، به طوری که همگی در آثار خود به این مسأله اذعان داشته اند.

۳- مقاله «أثر کلام الإمام علی علیه السلام في الأدب الصغير والأدب الكبير» نوشته سید محمد رضا ابن الرسول و فهمیه سلطانی نژاد، در مجله أهل البيت علیهم السلام شماره ۱۲، سال ۲۰۱۲. این مقاله با بررسی آثار عبدالله ابن مقفع جایگاه علمی و ادبی او را مورد بررسی قرار داده و در ضمن آن، به تأثیر شگرف روح کلام امام همام بر قالب و مضامین اثر ارزشمند ادب کبیر و ادب صغیر ابن مقفع و ذکر نمونه هایی از این اثرپذیری پرداخته است.

۴- مقاله «شبهة استعمال السجع و تنميق الکلام في نهج البلاغة و الرد علیها» نوشته علی حاجی خانی، مجله دراسات في العلوم الإنسانية، سال ۲۰۱۶ شماره ۲۲. این مقاله ضمن رد بسیاری از شبهات مربوط به صحت یا سقم سخنان نهج البلاغه در انتساب به امام علی (ع)، به برخی از تأثیرات نهج البلاغه بر ادیبان و دانشمندان مختلف در طول تاریخ اشاره داشته که حتی خود آنها به این مسأله اعتراف کرده اند. چنانچه با شبه افکنی برخی از مؤرخان و روشنفکران، این تأثیرگذاری همچنان ادامه دار بوده و به قوت خود باقی است.

۵- مقاله «بررسی و تحلیل زیبایی شناختی خطبه جهاد» نوشته سید اسماعیل حسینی اجداد نیای، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳. این مقاله با برشمردن ویژگی های

این خطبه خطیر، به ویژگی مهم «وحدت موضوعی» در این خطبه می‌پردازد؛ با این توضیح که امام(ع) در این خطبه مضامین خود را از پیرامون خود می‌گیرند و با واژه‌گزینی و جانشینی دایره‌واژگان مناسب و ناب خود در ترکیب سخن، جایگزین می‌نمایند. از آنجا که این مضامین برای مخاطب ملموس و دست‌یافتنی است، وی را به راحتی به وادی کلام خود می‌کشاند.

۶- مقاله «دو تن از نخبگان خطابه» نوشته خلیل صنعتگر، فصلنامه پیام حوزه، سال ۱۳۷۸ شماره ۲۳. این مقاله با نام بردن از چندین خطیب مشهور از جمله صعصعه شاگرد امام علی (ع)، ابن عباس، ابن مقفع، ابن نباته و جاحظ، همگی آن‌ها را به نوعی از شاگردان و پیروان سبک ادبی امام علی(ع) می‌داند و با ذکر نقل قول‌هایی از بزرگان ادب درباره کلام امام و تمجید آن‌ها از مقام شامخ امام و جایگاه ادبی نهج‌البلاغه، به برتری و نقش محوری نهج‌البلاغه برای تمامی آثار ادبی و بلاغی بعد از آن اشاره می‌کند و در آخر به مقایسه و موازنه بخشی از یکی از خطبه‌های ابن‌نباته با کلام امام همام بسنده کرده و شدت علاقه ابن‌نباته به امام علی(ع) را متذکر می‌شود.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجاکه درباره اهمیت تأثیر نهج‌البلاغه بر سایر علوم، پژوهش‌های روشمندی صورت نگرفته است و با توجه به مراجعه طیف وسیعی از خوانندگان به نهج‌البلاغه، جای خالی چنین پژوهشی در عرصه ادبیات و فرهنگ علوی احساس می‌گردید و پرداختن به چنین موضوعی از اهمیت خاصی برخوردار بود، لذا پرداختن به این موضوع می‌تواند خیلی از نکات و مسائل بلاغی موجود در نهج‌البلاغه را روشن نموده و شناخت ما را نسبت به کلام امیر کامل‌تر کند.

### ۲. بحث

در حقیقت آنچه سخنی را از درجه صفر نوشتار خارج می‌کند و آن را به مرحله عالی می‌رساند و به آن علو معنی و حیثیت ادبی می‌بخشد همان است که قدمای ما بر آن فصاحت و بلاغت نام نهاده‌اند. فصاحت به جهات لفظی و بلاغت به جهات معنوی کلام می‌پردازد و در طول تکامل سیر بلاغت هر کس با زاویه‌ای به آن نگریسته است. به هر تقدیر فصاحت قبل از بلاغت و مقدمه تحقیق آن است؛ تا سخنی به مراتب فصاحت دست نیابد؛ جواز ورود به محدوده بلاغت را نمی‌یابد. در مورد فصاحت گفته شده است: «سخن فصیح آن است که عیبی را نداشته باشد و در نتیجه باید سخنی باشد دل‌نشین و خوش‌آهنگ و مورد استعمال و سلیس و روان» (عرفان، ۱۳۸۵: ۵۶). پس از تحقیق این امر، مباحث بلاغت مطرح می‌شود، بدین معنی که پس از تحقیق فصاحت و شیوایی سخن، نوبت به بلاغت و رسایی آن می‌رسد که در این راستا ایراد سخن به مقتضای حال، محور اصلی بلاغت را تشکیل می‌دهد و ایراد معنای واحد به طرق مختلف جهت دیگر بلاغت را مشخص می‌سازد.

## ۲-۱. ابن نباته

ابن نباته، عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل بن نباته حذاقی فارسی (۳۳۵-۳۷۴ ق)، خطیب نام‌آور روزگار حمدانیان است. «او ظاهراً از نوادگان اصبع بن نباته است» (رک: صنعتگر، ۱۳۷۸: ۲۱۸). برخی نام او را عبدالرحمن نیز آورده‌اند (ابن اثیر، ۱۹۶۲: ۲۰۴/۳). از زندگی این خطیب اطلاعی جز چند روایت تردیدآمیز در دست نیست. بنابر سخن ابن خلکان و منابع دیگر ابن نباته ۳۹ سال زیسته است، اما ذهبی می‌گوید که وی از ۳۵۱ ق به بعد به ایراد خطبه پرداخت و در آن زمان خود خطیبی شناخته شده بود (ابن نباته، ۲۰۱۴: ۱۵). سپاهیان روم در ۳۴۸ ق پس از پیشروی در سرزمین‌های اسلامی و کشتار و تخریب، به سوی دیاربکر روی آورد و به میافارقین رسید و آنجا را مدتی در محاصره گرفت. در این روزگار بود که ابن نباته به ایراد خطابه‌های شورانگیز خویش موسوم به «خطب جهادیه» پرداخت (همان: ۱۸۷). «حمدانیان به خصوص در سال‌های ۳۱۵ ق تا ۳۶۰ ق جنگ‌های متوالی و مدافعات مستمر با رومیان که به طمع اشغال شام و بیت المقدس به منطقه حکومت آن‌ها حمله‌ور می‌شدند، داشتند. ابن نباته با ایراد خطبه‌های شورانگیز خویش مردم را برای یاری سیف‌الدوله حاکم قدرتمند شیعی مذهب حمدانی تشویق می‌نمود. او همیشه همراه سیف‌الدوله بود و از آن جا که سیف‌الدوله اکثراً در جنگ و جهاد با رومیان بود، ابن نباته خطبه‌های زیادی ایراد کرد. مردم نیز شیفته خطبه‌هایش بودند. به خصوص که علاوه بر استفاده از کلمات زیبای نهج‌البلاغه سخنانش را با آیات قرآن زیباتر می‌کرد. آیات قرآن جای ویژه‌ای در سخنان او داشت» (رک: صنعتگر، ۱۳۷۸: ۲۱۸). ابن نباته در حلب با متنبی دیدار و مجالست داشته است و به روایتی، بخشی از دیوان شاعر را نزد وی استماع کرده و همراه او در دربار سیف‌الدوله حمدانی خدمت می‌کرده است (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۱۵۶/۳).

## ۲-۲. ابن ابی‌الحدید

عزالدین عبدالحمید ابن ابی‌الحدید معتزلی در سال ۵۸۶ هـ در شهر مداین به دنیا آمد و در بغداد که در آن ایام از مراکز مهم علم و ادب و سیاست بود، دانش و کمال آموخت و پس از چندی در محافل علمی و ادبی و سیاسی جایی برای خود باز کرد و مورد توجه قرار گرفت. «ابن ابی‌الحدید زندگی علمی پرباری داشت به طوری که در انواع علوم مختلف زمان خود تبخر و مهارت خاصی داشت و در اکثر موضوعات علمی و ادبی کتاب و آثار ارزشمندی از خود بر جا گذاشته است که متأسفانه بسیاری از آن‌ها در گذر زمان از بین رفته و تنها تعداد اندکی از آن‌ها در حدود ۲۱ کتاب باقی مانده است» (عجیمی، ۲۰۱۶: ۴۸). یکی از آثار ارزشمند این دانشمند بزرگ و ادیب عالی‌قدر، شرح نهج‌البلاغه است که آن را به گفته خودش «در مدت چهار سال و هشت ماه به اندازه زمان خلافت امیرالمؤمنین (ع) به پایان رساند و نسخه‌ای از آن را برای ابن علقمی، وزیر معتصم، آخرین خلیفه بنی‌عباس فرستاد و به سبب همین شرح جایزه‌ای از او دریافت نمود» (ابی‌الحدید، ۲۰۰۷: ۱۲/۱). می‌توان چنین ادعان داشت که شرح ابن ابی‌الحدید، از بین تمامی شرح‌هایی که تا به حال بر نهج‌البلاغه نوشته شده، کامل‌ترین و درعین حال جامع‌ترین شرحی است که به نکات بلاغی آن به خوبی پرداخته و از عهده آن به نیکی برآمده است؛ این شرح علاوه بر پرداختن به

مسائل بلاغی و ادبی، به برخی از مسائل تاریخی و رخداد‌های زمان خلافت امیرالمؤمنین نیز اشاراتی داشته است (آقائی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴).

### ۲-۳. خطبه جهادی ۲۷ نهج البلاغه

خطبه ۲۷ نهج البلاغه، معروف به خطبه جهادیه، یکی از خطبه‌های مشهور امیرالمؤمنین (ع) است، علت مشهور بودن این خطبه بدان دلیل است که مردی به نام علج از مردم شهر انبار، بر آن حضرت وارد شده و خبر داد که سفیان بن عوف غامدی به فرماندهی سپاه معاویه به شهر انبار وارد شده و کارگزار آن حضرت حسن بن حسن بکری را به شهادت رسانده است. «وقتی خبر تهاجم سپاه معاویه به شهر انبار و سستی مردم، به امام (ع) رسید، این خطبه را ایراد فرمود. این خطبه در مورد جهاد است. امام ابتدا با بیانی زیبا به اهمیت جهاد و آثار آن می‌پردازد، سپس بعد از ملامت سخت مردم کوفه، به شهادت یار باوفای خویش «حسن بن حسن» و جنایات دیگر لشکر شام اشاره می‌کند و در پایان با یادآوری سوابق درخشان خود، آمادگی کامل را برای مقابله با دشمن یادآور می‌شود» (بهرام‌پور، ۱۳۹۶: ۷۰). ابن‌ابی‌الحدید در ابتدای شرح این خطبه گفته است: «این خطبه از مشهورترین خطبه‌های حضرت امیر بوده که بسیاری از افراد آن را نقل کرده‌اند؛ از جمله ابوالعباس المبرد که در مقدمه کتاب الکامل آن را نقل کرده است، هر چند که از این خطبه چیزهایی کم کرده و برخی موارد دیگر به آن افزوده است» (ابی‌الحدید، ۲۰۰۷: ۲۷۱/۱).

این خطبه یکی از خطبه‌های سرشار از فصاحت و بلاغت است، بررسی این خطبه از آن جهت حائز کمال اهمیت است که به نام خطبه جهادی در بین همگان معروف شده است «این خطبه از خطبه‌های مشهور آن حضرت است و بیشتر نویسندگان در آثار خود به آن اشاره کرده‌اند، از جمله میرد در کتاب الکامل درباره شأن این خطبه گفته است: آنگاه که به امیرالمؤمنین خبر رسید که لشکری از طرف معاویه وارد انبار شده و والی آن حضرت را کشته‌اند و شهر انبار را غارت کرده‌اند، خشم‌آلود از کوفه بیرون آمد. مردم به دنبال آن روان شدند، از شدت خشم به خود متوجه نبود، عبایش به زمین کشیده می‌شد و با سرعت می‌رفت تا به محل نخلیه رسید (نخلیه میدان بسیج و سان لشکر کوفه بوده است) بر پشته‌ای بالا رفت و این خطبه را خواند» (جعفری، ۱۳۷۲: ۳۳۸).

### ۲-۴. خطبه‌های جهادی پنجگانه ابن‌نباته

در دیوان خطبه‌های ابن‌نباته، ۱۱۳ خطبه به نام او ثبت شده که ابن‌نباته هر کدام از آن خطبه‌ها را برای مناسبت خاصی ایراد کرده است، «این خطبه‌ها مایه شهرت او شد و باعث شد که وی در ادب سرآمد ادیبان عصر خود باشد. اغلب مؤلفان خطبه‌های او را ستوده و بلاغت، فصاحت، معانی نو و سلاست عبارات وی را تحسین کرده‌اند. مردم شیفته خطبه‌های او بودند و آن‌ها را برترین خطبه‌ها می‌شمردند. برخی این خطبه‌ها را حفظ می‌کردند و گاهی تدریس می‌شد و نیز عبارات آن مورد بحث قرار می‌گرفته است. چنان‌که صفدی حفظ بخشی از خطبه‌های ابن‌نباته را در پرورش قریحه نویسندگی لازم می‌شمرد. گفتنی است که خطبه‌های ابن‌نباته از خطبه‌ها و نوشته‌های حضرت علی (ع)، تأثیر و نفوذی انکارناپذیر گرفته است. ابن‌نباته نهج البلاغه را از حفظ داشته و بیشتر کلمات و خطبه‌های خویش را از معانی و الفاظ آن برگرفته

است» (ابن شاکر الکتبی، ۱۹۸۰: ۸۳). از میان خطبه‌های ابن نباته، پنج خطبه به صورت جداگانه تحت عنوان «خُطْبُ فِي الْحَيِّ عَلَى الْجِهَادِ» آمده است.

بنا به گفته ابن ابی‌الحدید، ابن نباته در همه این خطبه‌ها از کلام امیرالمؤمنین (ع) سرقت کلامی داشته است «در خطبه‌های جهادی ابن نباته نمونه‌های زیادی از سرقت از کلام امیرالمؤمنین (ع) است که اگر افراد خبره و آگاه خوب دقت کنند متوجه این کار او می‌شوند» (ابن ابی‌الحدید، ۲۰۰۷: ۲۷۵/۱).

## ۲-۵. موازنه خطبه ۲۷ نهج البلاغه با خطبه‌های پنجگانه ابن نباته

بدون مقدمه می‌توان گفت که امام علی (ع) در خطبه‌های نهج البلاغه، تمامی ادیبان و خطیبان عصر خود تا به امروز را به هموردی و مبارزه فراخوانده است؛ ولی کسی به خود جرأت چنین مقابله‌ای را نداده است، هرچند که جسته و گریخته سخنانی را بر زبان رانده‌اند، ولی طبق گفته ابن ابی‌الحدید در این مورد «یک سطر از نهج البلاغه برابر با هزار سطر از کلام ابن نباته است که به اتفاق دانشمندان خطیبی فاضل و در فن خود یگانه عصر خویش بوده است» (ابن ابی‌الحدید، ۲۰۰۷: ۲۱۴/۷؛ الخطیب، ۱۹۸۵: ۷۸/۱)، می‌توان چنین اذعان داشت که هیچ کلام بشری هراندازه که دارای صلابت و استحکام بیانی و کلامی باشد یارای هموردی با کلام امام همام را ندارد.

### ۲-۵-۱. بررسی خطبه ۲۷ نهج البلاغه

خطبه ۲۷ نهج البلاغه معروف به خطبه جهادی امام (ع) است در ابتدای این خطبه چنین آمده است: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدَرَعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الدَّلِّ وَسَمَلَهُ الْبَلَاءَ وَذَيْبٌ بِالصَّغَارِ وَالْقَمَاءَةُ وَضَرْبٌ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَأَدِيلُ الْحَقِّ مِنْهُ يَتَضَيِّعُ الْجِهَادُ وَسِيمَ الْحَسْفِ وَمُنِعَ النَّصْفَ».

- همانا جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس دلت و خواری بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد. دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است (دستی، ۱۳۹۰: ۲۹).

در این جمله‌های کوتاه که در نخستین فراز این خطبه آمده است فلسفه جهاد و آثار پربرکت آن در پنج جمله پرمعنا بیان گردیده و سپس آثار شوم ترک جهاد، در هفت جمله دیگر تشریح شده است. «بدیهی است برای وصول به رحمت و رضوان خداوند و بهشت برین، اسباب مختلفی وجود دارد که در احادیث، به عنوان «درهای بهشت» معرفی شده که یکی از مهم‌ترین آنها، جهاد است، همان‌طور که پیغمبر (ص) فرمود: «لِلجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ: «بَابُ الْمُجَاهِدِينَ». يُمَضُّونَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ مَفْتُوحٌ وَهُمْ مُتَقَلِّدُونَ بِسُوفِهِمْ، وَالْجَمْعُ فِي

۱. خطبه‌هایی برای ترغیب و تشویق به جهاد



المَوْقِفِ، وَالْمَلَايِكَةُ تُرَجَّبُ بِهِمْ» این، در حالی است که سایر مردم، در موقف حساب ایستاده‌اند و در انتظار حساب‌اند، (اما مجاهدان، بدون حساب، به سوی بهشت می‌روند و در آستانه بهشت)، فرشتگان، به آنان تبریک می‌گویند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۲۰۰۷: ۲۷۱/۱).

در توضیح این بخش از خطبه چنان که پیداست «خطبه با حسن مطلع بسیار زیبایی شروع شده که این پیش‌درآمد خطابه و سخنرانی، چندان شیوا و دلپسند آمده که شنونده را برای شنیدن ادامه خطبه تشویق می‌کند و در طبع و حال او رغبت و نشاط استماع می‌افزاید» (همایی، ۱۳۷۳: ۳۱۸). جمله اسمیه، دلالت بر ثبوت و استمرار همیشگی آن دارد؛ بنابراین، شروع این خطبه با جمله اسمیه نشان از ثبات و دوام آن است و حرف «بئ» با تأکیدی که دارد با توجه به سیاق کلی خطبه که تویخ و ملامت مخاطبان به‌خاطر ترک جهاد را به همراه دارد، نشان‌دهنده این واقعیت است که مخاطبان این خطبه اعتقادی به جهاد و ثواب آن نداشتند و منکر سخنان حضرت بودند و یا این که در رفتار و اعمالشان مخالف دستورات امام علی(ع) در مبارزه با دشمنان بوده‌اند. از این‌رو امام همام برای رفع این انکار از تأکید بهره‌جسته که بیانگر نوع «خبر انکاری» است.

در تشبیه جهاد به لباس و زره و سپر نظامی، ظرافت و ذکاوت خاصی به کار رفته، به‌گونه‌ای که لباس در پوشش بدن فرد مبارز در زیر قرار می‌گیرد و بر روی آن زره پوشیده شده و سپر نیز پوششی فراروی زره است تا فرد مبارز از هجوم دشمن در امان باشد. جهاد نیز حکم همین سه محافظ بدن را دارد به‌طوری‌که محافظ سرزمین و دین و ایمان شخص مسلمان می‌شود؛ یعنی در واقع ایمان و تقوا به لباس و دین به زره و سرزمین به سپر همانندسازی و تشبیه شده است؛ چرا که ایمان و تقوی و دین و سرزمین اسلامی هرکدام به نوعی محافظ انسان هستند.

به نظر می‌رسد در این خطبه از نوعی خصیصه ادبی و شاعرانه استفاده شده؛ به‌گونه‌ای که لحن کلام حضرت چنان است که گویا قصد دارد شنوندگان را بر ضد دشمنانشان بسیج کند؛ بنابراین، پیکار در راه خدا را به اوصافی می‌ستاید؛ یعنی گاهی مقصود از جهاد در این خطبه پیکار با دشمن ظاهری است، چنان‌که از ظاهر عبارت چنین معنایی برمی‌آید، اما گاهی به نظر می‌رسد که مقصود از جهاد، پیکار با دشمن نهانی یعنی نفس اماره است که هرکدام از این جهادها دری از درهای بهشت است. چه جهاد با نفس، از جهاد با دشمن ظاهری حاصل می‌شود؛ چراکه لازمه جهاد با دشمن ظاهری، آمادگی نفسانی است. بیان مطلب اینکه، ملاقات خداوند سبحان و باریابی به مشاهده حضرت حق نتیجه آفرینش و ثمره کوشش بندگان نیک خداوند است؛ و از طرفی پیکار در راه خدا یکی از عبادت‌های پنج‌گانه آیین حضرت محمد(ص) است و در علم طریقت و سلوک به‌سوی خداوند (عرفان) مسلم شده است که انجام عبادات شرعی، جلوگیری از سرکشی نفس اماره؛ نفس مطمئنه را سبب می‌شود و یا آن را تسهیل می‌کند؛ بنابراین، راه‌سازی و فرمان‌برداری نفس، به هر طریق حاصل شود، موجب ورود به بهشتی می‌شود- که پرهیزکاران بدان وعده داده شده‌اند- و لذا می‌توان بر آن باور بود که جهاد مشروع، دری از درهای بهشت

۱. بهشت، دری دارد به نام «باب‌المجاهدین» که آنان، به سوی آن حرکت می‌کنند و در را در برابر خود باز می‌بینند، درحالی‌که شمشیرها را به کمر بسته‌اند.

- همان دروازه با عظمتی - است که پیکارگران سالک الی الله با ریاضت نفسانی و مغلوب کردن شیطان به آن ورود می‌یابند. همان طوری که نماز و روزه در کلام نبی کلید بهشت دانسته شده است، جهاد نیز دری از درهای بهشت دانسته شده است با برتری‌هایی که در آن وجود دارد (ابن‌ابی‌الحدید، ۲۰۰۷: ۲۷۸/۱).

در ادامه خطبه آمده است: «أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَإِعْلَانًا وَقُلْتُ لَكُمْ اغْزَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُمْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دُلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَاذَلْتُمْ حَتَّى شُنْتُ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتِ وَمُلِكْتُ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانَ».

- آگاه باشید! من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را به مبارزه با شامیان دعوت کردم و گفتم پیش از آن که آنها با شما بجنگند با آنان نبرد کنید. به خدا سوگند! هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، دلیل خواهد شد. اما شما سستی به خرج دادید، و خواری و ذلت پذیرفتید، تا آنجا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمینهای شما را تصرف کرد.

در این قسمت از خطبه امام (ع) بعد از ذکر مقدمه کوتاه و بسیار پرمعنا و پرمحتوا، وارد اصل موضوع می‌شود و انگشت روی یک نمونه بارز از پیامدهای شوم ترک جهاد گذاشته و می‌فرماید که ای سپاهیان! من همواره و در همه حال شما را به مبارزه با سپاه معاویه فرا خواندم و متذکر شدم که پیش از آن که آنها به سراغ شما بیایند و با شما نبرد کنند، شما باید بر آنها پیشی بگیرید و با آنان وارد جنگ شوید. که باز سپاهیان امام به سخنان ایشان گوش نداده و تکان نخوردند و در شهر خود ماندند و در نتیجه مورد تاخت و تاز و غارت دشمن قرار گرفته و در نتیجه خوار و ذلیل شدند.

امام جملات امری خود را چنان با قاطعیت و یقین بیان می‌کند که انگار جواب و جزای آن را به عینه مشاهده می‌کند. آوردن طباق «لَيْلًا وَنَهَارًا» و «سِرًّا وَإِعْلَانًا» و نیز جناس اشتقاق «اغزوا و یغزوا و غزی» و نیز دو فعل از باب مشارکت «تَوَاكَلْتُمْ وَتَخَاذَلْتُمْ» و به دنبال آن دو فعل مبنی بر مجهول «شُنْتُ وَمُلِكْتُ» همگی نشان از این دارد که امام با ذکر تضادها و بیان تشابهات اشتقاقی در صدد بیان این بوده که با وجود اختلافات و مغایرت در میان افراد باز می‌توان به اشتراکاتی دست یافت تا با کمک آنها با دشمن جنگید و اگر مشارکت در بر و تقوی نباشد و خلاف آن مشارکت صورت گیرد در نتیجه سپاه دچار شکست و سرخوردگی خواهد شد و مجهول آورن دو فعل هم نشان ضعیف بودن دشمن است به حدی که نیاز به ذکر فاعل آن نیست.

در قسمت پایانی خطبه امام فرموده است: «يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ خُلُومِ الْأَطْفَالِ وَعُقُولِ رَبَّاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرَكُمُ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَاللَّهِ جَرَّتْ نَدْمًا وَأَعْقَبَتْ سَدْمًا فَاتَلَكُمُ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا وَشَحْنَةً صَدْرِي غَيْظًا وَجَرَعْتُمُونِي نُغْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَأَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعَصِيَانِ وَالْحِدْلَانِ».

- ای مردنمایان نامرد! ای کودک‌صفتان بی‌خرد! که عقل‌های شما به عروسان پرده‌نشین شباهت دارد! چقدر دوست داشتم که شما را هرگز نمی‌دیدم و هرگز شما را نمی‌شناختم. سوگند به خدا که جز پشیمانی حاصلی نداشت، و اندوهی غم بار سرانجام آن شد. خدا شما را بکشد که دل من از دست شما پر خون، و

سینه‌ام از خشم شما مالامال است! کاسه‌های غم و اندوه را، جرعه جرعه به من نوشاندید، و با نافرمانی و ذلت پذیری، رأی و تدبیر مرا تباه کردید.

در آخرین بخش از این خطبه، امام همچنان تازیانه‌های ملامت و سرزنش را پی‌درپی بر روح آن‌ها می‌زند تا شاید این خواب‌آلودگان سست‌عنصر از خواب غفلت بیدار شوند و چشمان خود را باز کنند و ببینند در چه شرایط مرگباری گرفتارند، شاید که برپاخیزند و با یک جهاد مردانه و خداپسندانه دست شامیان غارتگر را از کشور اسلام قطع کنند. «تاریخ گواه بر این مطلب است که دوستی مردم کوفه و عراق برای امام در تمام دوران خلافتش، ثمره‌ای جز غم و اندوه ناشی از سستی‌ها، بی‌وفایی‌ها، پیمان‌شکنی‌ها، ضعف‌ها، پراکندگی‌ها و اشکال مختلف نفاق، نداشت و این گروه، سبب مشکلات عظیمی در رهبری و مدیریت این امام مدیر و مدبر و آگاه شدند. طبیعی است که امام آرزو کند که ای کاش هرگز آن‌ها را نمی‌دید و گرد او جمع نمی‌شدند. سرانجام آن‌ها را هدف تیر نفرینش قرار داده می‌فرماید: «خداوند، شما را بکشد و نابود کند و از رحمتش دور سازد و به لعنت گرفتار کند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۲۰۰۷: ۲۷۴/۱).

امام با سه تشبیه «أَشْبَاهَ الرِّجَالِ» و «حُلُومُ الْأَطْفَالِ» و «عُقُولُ رِبَّاتِ الْحِجَالِ» داغ ننگ بسیار ذلت‌باری را بر پیشانی سپاهیان و مدم شهر انبار زده که مرگ صد مرتبه باشرافت‌تر از آن است، این‌که مردی را نامرد و یا کودک نادان و یا بدتر از آن عروس حجله‌نشین خطاب کنی، دیگر زنده ماندن او ارزشی ندارد. ببینید که امیرالمؤمنین در چه موقعیت و شرایط سخت و ناگواری بوده که چنین تشابیهی را برای سست‌عنصران و بزذلان مخاطب خود به کار برده است. به کار بردن افعال ماضی و یا با مفهوم ماضی نشان از قطعی بودن و تمام شدن کار دارد؛ به طوری که امام از آن‌ها قطع امید کرده و به طور کلی از آن‌ها ناامید شده است.

## ۲-۵-۲. مقابله تطبیقی خطبه ۲۷ نهج البلاغه با خطبه‌های ابن‌نباته

در تطبیق بین خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه و خطبه‌های پنجگانه ابن‌نباته خالی از لطف نیست که بگوییم بین آن‌ها رابطه بینامتنی وجود دارد؛ به طوری که متن خطبه امیرالمؤمنین به عنوان متن غایب و متون خطبه‌های ابن‌نباته که به صورت‌های مختلف از کلام امام بهره جسته است به عنوان متن حاضر این رابطه است. اقتباسات و تضمین‌هایی که ابن‌نباته از خطبه ۲۷ امام علی (ع) در خطبه‌های جهادی خود داشته مثل روز روشن است، به طوری که کلمات و عبارات اقتباس شده در لابه‌لای خطبه‌های ابن‌نباته همچون نگینی تابناک می‌درخشد و خواننده این خطبه‌ها با اندکی تأمل، مضامین و مفاهیم برگرفته از کلام امام (ع) را نیز به وضوح درمی‌یابد. برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم، امام می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ»، ابن‌نباته از این کلام امام تأثیر پذیرفته و در اولین خطبه جهادی خود چنین می‌گوید: «فَإِنَّ الْجِهَادَ أَتْبَتُ قَوَاعِدِ الْإِيْمَانِ وَأَوْسَعُ أَبْوَابِ الرِّضْوَانِ وَأَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْجَنَانِ! وَسَابِقُوا بِالْجِهَادِ إِلَى تَمَلُّكِ جَنَاتِهِ فَإِنَّ لِلْجَنَّةِ بَاباً حُدُودَهُ تَطْهِيرُ الْأَعْمَالِ» (ابن‌نباته، ۲۰۱۴: ۳۰۰). امام جهاد را به یکی از دروازه‌های بهشت تشبیه نموده که مخصوص بندگان خاص خداست، در کلام امام ایجاز و لطافت و ظرافت خاصی وجود دارد که ابن‌نباته با بهره‌گیری از اطناب و اطاله کلام قصد شرح و توضیح کلام امام را داشته که به مراتب در حد پایین‌تری از اصل کلام قرار گرفته است؛ به طوری که سخن ابن‌نباته از زیبایی و

جمال کلام امیر فاصله زیادی گرفته است. از گفته‌های ابن نباته، سستی و تکلف و خامی می‌ریزد و اکثر الفاظ نابه‌جا به کار رفته و از لطافت و پختگی و زیبایی بیرون است. فصاحت و زیبایی «بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ» و آهنگ این جمله از نهج البلاغه نشان از پختگی و تناسب محور هم‌نشینی واژگان دارد، ولی در این دو عبارت ابن نباته «تَمَلَّكَ جَنَاتِهِ» و «فَإِنَّ لِلْجَنَّةِ بَاباً» تکلف و به‌هم‌ریختگی و نیز اغتشاش در محور هم‌نشینی واژگان وجود دارد.

ابن نباته در همان خطبه اول خود، از این کلام امام: «اغزوهُم قَبْلَ أَنْ يَغزُوكُمْ ... فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَحَادَثْتُمْ حَتَّى شَتَّتْ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتُ» نهایت بهره را جسته و هم از الفاظ و هم از مضامین کلام امیر(ع) اقتباس کرده و این عبارت را ساخته است: «فَانْفِرُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً وَثَبَاتٍ وَشَتُّوا عَلَيَّ أَعْدَائِكُمُ الْغَارَاتِ» (ابن نباته، ۲۰۱۴: ۳۰۰). امام ابتدا با افعال امری (انشائی) و بعد با افعال یقین (خبری) به توصیف واقعه می‌پردازد و سرانجام کار را با فعلی مجهول که نیازی به ذکر فاعل آن نبوده به پایان می‌رساند تا تأکیدی در کلام خود بر مخاطبین داشته باشد که این خود نوعی از فصاحت کلامی و ایجاز قصر نیز است، درحالی‌که ابن نباته با ذکر فعل امر «شَتُّوا» خواسته تا درصد مشابهت و تأثیرپذیری خود از کلام امام را به حداقل برساند که راه خطایی را رفته؛ چرا که، تأثیر فعل مجهول در کنار چندین فعل معلوم از تأثیر افعال همسان بیشتر است. در این قسمت ابن نباته از آیه کریمه (۷۱) سوره نساء ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعاً﴾ نیز به‌طور نامنظم و درهم‌ریخته اقتباس کرده است. ابن نباته در ادامه این خطبه عین عبارت نهج- البلاغه «فَوَاللَّهِ مَا غَزِي قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا» را به شکل «فَإِنَّهُ وَاللَّهِ مَا غَزِي قَوْمٌ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا» (همان: ۳۰۰)، آورده که تنها با افزودن «فَإِنَّهُ» در اول جمله و حذف حرف «ف» از «فَوَاللَّهِ» و نیز حذف واژه «قَطُّ» کلام خود را با کلام امام زینت بخشیده است، هدف او از این تضمین این بوده که عبارت خود را با بهره‌گیری از کلام امام هم‌ام قدرت و استحکام بخشد، همان‌طور که در مبحث اقتباس آمده «اقتباس گیرنده از قوت کلام اقتباس شده برای کلام خود قوت و استحکام می‌گیرد تا مهارت خود را در تحکیم ارتباط بین کلام خود و کلامی که از آن اقتباس کرده به نمایش بگذارد» (الجارم و امین، ۱۳۸۹: ۲۶۹). اقتباس از یک متن و یا تضمین، در صورتی‌که اقتباس‌کننده در خلال سخنان خود و یا در ابتدای آن به این مسأله اشاره کند و یا به طور تلویحی آن را متذکر شود، از جنبه اخلاقی مشکلی ندارد، ولی آوردن عین مطلب و یا برداشت مفهوم از یک متن بدون اشاره به آن کار زیننده و اخلاقی نیست که متأسفانه ابن نباته در خطبه‌های خود به این کار دست یازیده است.

ابن نباته در خطبه دوم خود نیز شبه‌نمایی از این کلام امام «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ»، بیان کرده است، آن‌جا که گفته: «وَنَزَلْتُمْ لِلْجِهَادِ مَنزِلاً قَدْ أَسْرَعَتْ إِلَيْهِ الْجَنَّةُ أَبْوَابُهَا» (همان: ۳۰۴)، در این‌جا ابن نباته با پس و پیش کردن کلمات گفتار امام، خواسته است که قالب و طرح جدیدی ارائه دهد که نه تنها موفق نبوده، بلکه در خطبه خود از زیبایی و طراوت آن کاسته است؛ چرا که امام با بهره‌گیری از تشبیه زیبای جهاد به دروازه‌ای برای ورود به بهشتی که خداوند گشاینده آن دروازه به روی بندگان مجاهد خود است، سنگ تمام را گذاشته و ابن نباته نه تنها نتوانسته از عهده همانندسازی

چنین تشبیهی برآید، بلکه با تشبیه جهاد به منزلی که دروازه‌های بهشت آغازی برای آن است از زیبایی آن کاسته است.

ابن‌نباته همچنین از این کلام امام که فرموده: «أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَإِعْلَانًا» در خطبه دوم خود اقتباس کرده و این چنین جمله‌ای بهم بافته است: «وَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى عِنْدَ الْإِقْلَاءِ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ» (ابن‌نباته، ۲۰۱۴: ۳۰۳). امام(ع) با استفاده از صنعت طباق کلمات لیل و نهار و سرّ و إعلان را به صورت نکره منصوب در نقش مفعول فیه بیان داشته تا تناسب بین کلمات در حرکات و اعراب برقرار شود، درحالی‌که ابن‌نباته در عبارت خود طباق بین سرّ و جهر را با حالت مجروری و معرفه ذکر کرده که اگر آن دو را در حالت نکره و منصوب در نقش مفعول فیه به صورت سرّاً و جهراً بیان می‌کرد تناسب بین کلمات حفظ می‌شد و بر ظرافت و لطافت کلام افزوده می‌شد.

او در خطبه سوم نیز به تاسی از آغازین کلام امام، بخشی از آن را این گونه بیان داشته است: «وَسَدَدْتُمْ مَا فَتَحَهُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ أَبْوَابِ الْجِهَادِ» (همان: ۳۰۷)، در این جا نیز با کمی تغییر در ساختار جمله، همان مفهوم و الفاظ را به کار برده است. چنان‌که پیداست ابن‌نباته در تمامی خطبه‌های خود تمام تلاش و همت خود را به کار بسته تا شاید بتواند کلامی همچون کلام امام را در میان سخنان خود خلق کند، اما راه به جایی نبرده، همان‌طور که در هر سه خطبه خود به انحای مختلف تلاش نموده تا جمله‌ای همچون کلام «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ» بیاورد که قادر نبوده است.

ابن‌نباته در خطبه چهارم خود که طولانی‌ترین خطبه جهادی اوست، در بخشی از خطبه خود از این بخش از کلام امام هم‌ام که فرموده: «وَمَلِكْتُ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانَ» اقتباس کرده و مضمون آن را در عبارت «وَالْعَدُوُّ يَتَمَلَّكُ بِلَادَكُمْ قَاطِنًا» به صورتی زیرکانه به کار بسته است. در اینجا باید گفت که امام(ع) با توجه به سیاق کلام خود برای جلوگیری از اطاله کلام از صنعت ایجاز استفاده نموده، به همین خاطر غالباً در لابه‌لای کلام خود، افعال مجهولی را به کار می‌برد تا شدت و تأکید کلام خویش را دوچندان نماید، ولی ابن‌نباته غافل از این‌گونه مهارت‌ها و فنون خاص ادبی، همچنان سعی بر اطناب و شرح و بسط کلام خود دارد که همین کار او از زیبایی و ظرافت عبارتش می‌کاهد.

امام(ع) در بخش پایانی خطبه جهاد، خطاب به مردان سست‌عنصر شهر انبار فرموده است: «يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ خُلُومِ الْأَطْفَالِ وَعُقُولُ رِبَاتِ الْحِجَالِ». ابن‌نباته دقیقاً همین مضمون را از کلام امام گرفته و در خطبه چهارم خود این چنین با سادگی و خامی خطاب به مردم عادی که قصد دارد آن‌ها را برای جهاد علیه رومیان تحریک و تشویق کند، می‌گوید: «كَأَنَّكُمْ التِّسَاءَ وَهُمْ الرِّجَالُ» (همان: ۳۱۰). امام در خطبه خویش مردان ضعیف اراده و ترسو را با الفاظ «أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ» چنان زیبا و لطیف خطاب قرار داده که انگار این افراد طبق فرموده امام از مردانگی فقط نام آن را یدک می‌کشند و حتی اصطلاح «لَا رِجَالَ» به مفهوم نامرد نیز خیلی سزاوار و زیننده چنین افرادی است، درحالی‌که ابن‌نباته با وجود این که خواسته تا کلام خود را شبیه کلام امام کند، اما به خاطر مهارت کم با ناپختگی مستقیماً مخاطبان مرد را با لفظ «نساء» به عنوان زن قلمداد کرده و از ارزش بلاغی کلام خود کاسته است. امام(ع) ضمن این که با کاربرد اصطلاح «نامرد» در کلام خویش خواسته تا شوکی در مخاطبین خویش ایجاد کند و همچنین با نسبت

دادن افکار کودکانه و عقل زنانه به مردان مورد خطاب، نخواستنه به طور کامل از آن‌ها سلب مردانگی کند، بلکه با تشبیه و کنایه غرض و هدف خود را کاملاً بیان نموده تا باعث خجالت‌زدگی و تدبّر در میان مخاطبان گردد، ولی ابن نباته بدون رعایت چنین پیش‌فرض‌هایی به طور مستقیم از مخاطبان خود سلب مردانگی کرده و مردان را زن و زنان را مرد قلمداد کرده که این نوعی اهانت به جایگاه هر دو جنس بشر است. مرد بودن دو مفهوم دارد؛ یکی، ظاهر و شکل مرد را داشتن و دیگری، جرأت و شجاعت و غیرت مردانه داشتن که به نوعی بیانگر خوی و خصلت مردانگی است. امام (ع) در این بخش از خطبه، با خطاب قرار دادن مردان ترسو و بزدل و بی‌غیرت شهر انبار با لفظ «أَشْبَاهَ الرِّجَالِ» در واقع، صفت مردانگی و شجاعت و دلیر بودن را که لازمه یک مرد کامل است، از آن‌ها سلب نموده و آن‌ها را فقط به ظاهر و جسم مرد معرفی می‌کند، همان شبه مردی که تنها اسم مرد را به یدک می‌کشد و این از جمله لطایف الحکم و ظرایف الأقوال امیر بیان است که سمع و نظر مخاطبین را مسحور و عقل‌هایشان را مبهوت خویش نموده است.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بررسی خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه و مقایسه آن با پنج خطبه جهادی ابن نباته نتایج زیر حاصل گردید:

- ۱- کتاب شریف نهج‌البلاغه از لحاظ لفظ و معنا و قالب و محتوا سرچشمه فصاحت و منشأ و زادگاه بلاغت بوده که درهای بلاغت و شیوایی را به روی کسی که آن را مطالعه می‌کند می‌گشاید.
- ۲- این کتاب مستطاب نه تنها راه بلاغت و شیوه بیان هنرمندانه را به روی طالبان علم می‌گشاید، بلکه از لحاظ عمق و دربرداشتن حکمت‌ها و دستورالعمل‌های زندگی چون نسخه شفابخشی است که هر طالبی برحسب اقتضای خود می‌تواند از نکات علمی و ظرایف ادبی کسب فیض کند.
- ۳- نهج‌البلاغه کتابی است که از لحاظ شیوایی و زیبایی و استواری لفظ و معنا به درخشندگی آفتاب، به لطافت گل، به قاطعیت صاعقه، به غرّش طوفان، به تحرک امواج و به بلندی ستارگان دور است که همه شارحان و پژوهش‌گران به آن اذعان داشته‌اند.
- ۴- خطبه‌های ابن نباته هرچند در عصر خود از آوازه و شهرت خاصی برخوردار بوده، ولی این شهرت او مقطعی بوده و در مقایسه با خطبه‌های نهج‌البلاغه بسیار کم‌رنگ و بی‌تأثیر بر سایرین بوده است.
- ۵- ابن نباته با تمامی مهارت و زیرکی خود که در فن خطابه داشته و با توجه به سرقت‌ها و اقتباس‌هایی که از نهج‌البلاغه انجام داده است، ولی با این وجود نتوانسته کاری از پیش ببرد و در عالم بلاغت جایگاهی برای خود داشته باشد؛ چرا که کلام امام با ایجاز چنان زیبا و تأثیرگذار است که ابن نباته با تمام اطناب و توضیحاتی که آورده نتوانسته با آن برابری کند.
- ۶- کلام امیرالمؤمنین به‌گونه‌ای در جایگاه رفیع بلاغت قرار گرفته که در تمامی مسائل بلاغی و کلامی و نیز مطالب علمی و ادبی هر کلام بشری را به تحدی می‌طلبد، ولی تا به حال هیچ اثری نتوانسته در این میدان گامی بنهد و کسی را یارای مقابله نیست.

## منابع

### - قرآن کریم.

- ابن‌أبي‌الحديد المعتزلى، عبدالحميد. (۲۰۰۷). شرح نهج البلاغة، محقق: محمد ابراهيم، بيروت: دارالكتاب العربى.
- ابن‌أثير، نصرالله بن محمد. (۱۹۶۲). المثل السائر فى أدب الكاتب والشاعر، القاهرة: دارنهضة مصر.
- ابن خلكان، احمد بن محمد. (۱۳۶۴). وفيات الأعيان و أبناء ابناء الزمان، تحقيق احسان عباس، قم: انتشارات شريف رضى.
- ابن‌الرسول، سيد محمدرضا و سلطانى‌نژاد، فهيمه. (۲۰۱۲). «أثر كلام الإمام علي عليه السلام في الأدب الصغير والأدب الكبير» مجلة أهل البيت عليهم السلام، شماره ۱۲، ۲۴۰-۲۵۱.
- ابن‌شاکر الکتبى، محمد. (۱۹۸۰). عيون التواريخ، بغداد: دار الرشيد.
- ابن‌نباتة، عبدالرحيم بن محمد. (۲۰۱۴). ديوان خطب ابن‌نباتة، دمشق: مطبوعات رابطة خطباء الشام.
- ابن‌نباتة، عبدالرحيم بن محمد. (۲۰۱۲). ديوان خطب ابن‌نباتة، الكويت: إصدارات الوعي الإسلامى.
- أختر، مهجين. (۲۰۱۴). «مكانة كلام على بن أبى طالب عليه السلام فى الأدب العربى»، مجلة الداعي دار العلوم ديوبند، شماره ۲، ۸-۱.
- الهامى، داوود. (۱۳۷۹). دنياى نهج البلاغه، قم: انتشارات مكتب الإسلام.
- آقائى، مهرداد؛ شادمنامن، محمدرضا و نورانى، ظريفه. (۱۳۹۷). «تبيان بيان در كلام امام همام از نگاه شارح تام»، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۶، شماره ۲۴، ۲۱-۳۴.
- بهرام‌پور، ابوالفضل. (۱۳۹۶). ترجمه و شرح روان نهج البلاغه، قم: آواى قرآن.
- الجارم، على و مصطفى، امين. (۱۳۸۹). البلاغة الواضحة، طهران: مؤسسة الصادق للطباعة و النشر.
- جعفرى، سيد محمدمهدى. (۱۳۷۲). پرتوى از نهج البلاغه (با استفاده از ترجمه آية الله سيد محمود طالقانى)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- حاجى‌خانى، على. (۲۰۱۶). «شبهة استعمال السجع و تنميق الكلام فى نهج البلاغة و الردّ عليها»، مجلة دراسات فى العلوم الإنسانية، شماره ۲۲، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- حسینی اجداد نیاکی، سيد اسماعيل. (۱۳۹۳). «بررسى و تحليل زیبایی شناختی خطبة جهاد»، پژوهشنامه نقد ادبى و بلاغت، سال ۳، شماره ۲، ۱۹-۳۶.
- الخطيب، السيد عبد الزهراء الحسينى. (۱۹۸۵). مصادر نهج البلاغة وأسانيدہ، بيروت: دار الأضواء.
- راثى، محسن. (۱۳۸۳). تأثیر نهج البلاغه و كلام امير المومنين على (ع) در شعر فارسى، تهران: انتشارات اميركبير.
- دشتى، محمد. (۱۳۹۰). ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات طليعه سبز.
- سالم، شيرين و حاجى‌زاده، مهين. (۱۳۹۱). «زیبایی‌شناسی گونه‌های جناس در نهج البلاغه»، پژوهش‌نامه علوى، شماره ۱ (پیاپی ۵)، دوره ۳، ۶۷-۹۰.
- شهيدى، سيد جعفر. (۱۳۸۹). ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمى و فرهنگى.

- 
- صنعتگر، خلیل. (۱۳۷۸). «دو تن از نخبگان خطابه»، فصلنامه پیام حوزه، شماره ۳، ۲۱۸-۲۲۵.
- عجمی، احمد فاضل. (۲۰۱۶). ملخص من شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، كربلاء المقدسة: مؤسسة علوم نهج البلاغة فی العتبة الحسینیة المقدسة.
- عرفان، حسن. (۱۳۸۵). ترجمه و شرح جواهر البلاغه، قم: نشر بلاغت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). سیری در نهج البلاغه، قم: دار التبلیغ الإسلامی.